

" قوای منبعته از صفات الهی در زندگی فردی و جمعی بندگان ظاهر شود و پیدایش نظم اجتماعی نوینی را مدد بخشد "

پیام ۹ بهمن ۱۳۹۲ بیت العدل اعظم الهی

## نیروی اخلاقی زیر بنای تداوم اجتماعی

### قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- مجموعه نصوص حضرت بهاءالله
- ۳- لوح حضرت عبدالبهاء
- ۴- نص مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۵- قسمتی از خطابات مبارکه

### قسمت اداری

- ۶- کمال عالم انسانی
- ۷- علت و ریشه مشکلات جامعه
- ۸- پیام بیت العدل اعظم الهی
- ۹- شور و مشورت ( طرح سوالات توسط ناظم محترم )
- ۱۰- حصول کمال در عالم امکان به تنهایی برای هیچ فردی میسر نیست

### قسمت اجتماعی

- ۱۱- برنامه نوگلان و نوجوانان عزیز
- ۱۲- تنفس و پذیرایی
- ۱۳- مناجات خاتمه ( به انتخاب تلاوت کننده )

هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب موهبت بگشا از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش قمیصشان چون پیرهن یوسف معطر کن و خلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پر مشک و عنبر نما به صفات رحمانیت متصف کن و به اخلاق روحانیان متخلق تا آیات توحید گردند و بینات اشراق نور ربّ فرید سبب عزّت امر تو گردند و علّت بزرگواری قدر خود تا شدتشان به رخا مبدّل گردد و فقرشان به غنا عزّت ابدیه یابند و موهبت سرمدیه مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه از عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا جمیع ابواب از جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردد اُنْكَ اَنْتَ الْقَوِيُّ الْقَدِيرُ . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء ص ۴۰۵

هُوَ اللَّهُ

ای تشنه حقیقت ایران ویرانست و جمیع احزاب فی الحقیقه تیشه به دست گرفته به ریشه این بنیان قدیم می زنند و ابداً ملتفت این نیستند که این کلنگ بنیان کن است و این تیشه ریشه کن هر حزبی گمان می کند که به تعمیر مشغولست ولی در قرآن می فرماید "یخربون بیوتهم بایدیمهم" . باری این آوارگان به هیچ حزبی مشترک و متمایل نبوده در آن می کوشیم که بنیه ایران قوت گیرد و معلوم است قوت بنیه ایران جز

به تاسیس اخلاق الهی ممکن نه چون تعدیل و تاسیس اخلاق گردد ترقی در جمیع مراتب محتوم است هیچ ملتی بدون تعدیل اخلاق فلاح و نجاح نیابد و تحسین اخلاق علوم و فنون رواج یابد و افکار بی نهایت روشن گردد صداقت و امانت و حماسه و غیرت و حمیت بجوشد سیاست به درجه نهایت رسد صنایع بدیعه رواج یابد تجارت اتساع جوید شجاعت علم افزارد ملت از برزخی به برزخ دیگر انتقال نماید خلق جدید شود فتبارک الله احسن الخالقین تحقق یابد ... امیدم چنانست که در تاسیس این بنیان عظیم شما نیز از کارکنان باشید و علیکما البهء الابهی

ع ع

پیام آسمانی ج ۱ ص ۸۳

۵- قسمتی از خطابات مبارکه

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

"جمیع تعالیم الهی محصور در این است که این افکار خصوصیت منافع از میان زائل گردد و اخلاق عالم انسانی تحسین شود و مساوات و مواسات بین عموم بشر تأسیس گردد تا هر فردی از افراد جان خویش را به جهت دیگران فدا نماید. این است اساس الهی این است شریعت سماوی و چنین اساسی متین جز به یک قوت کلّیه قاهره بر احساسات بشریه تأسیس نیابد. زیرا هر قوتی عاجز است مگر قوت روح القدس و نفثات روح القدس چنان انسان را منقلب نماید که بکلی اخلاق مبدل گردد ولادت ثانویه یابد و به نار محبت الله که محبت عموم خلق است و ماء حیات ابدیه و روح القدس تعمید یابد. فلاسفه اولی که نهایت همت در تحسین اخلاق داشتند و به جان و دل کوشیدند ولی نهایت تربیت اخلاق خویش توانستند نه اخلاق عمومی به تاریخ مراجعت نمایند واضح و مشهود گردد. ولی قوه روح القدس تحسین اخلاق عمومی نماید عالم انسانی را روشن کند علویّت حقیقی مبذول دارد و عموم بشر را تربیت کند. پس خیر خواهان عالم باید بکوشند تا به قوت جاذبه تأییدات روح القدس را جذب کنند امیدم چنان است که آن جمع محترم انجمن خیری عالم انسانی مانند آئینه اقتباس انوار از شمس حقیقت نمایند و سبب تربیت اخلاق عموم بشر گردند."

خطابات مبارکه ج ۳ ص ۳۶

۲- مجموعه نصوص حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله می فرماید :

"یا حزب الله به خود مشغول نباشید در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده ناصر امر اعمالست و معینش اخلاق یا اهل بهاء به تقوی تمسک نمائید هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار... این مظلوم حزب الله را از فساد و نزاع منع فرمود و باعمال طیبه و اخلاق مرضیه روحانیّه دعوت نمود امروز جنودی که ناصر امرند اعمال و اخلاق است طوبی لمن تمسک بهما و ویل للمعرضین . " ۱

و نیز در لوح طرازات می فرماید :

" طراز سوم فی الخلق انه احسن طراز للخلق من لدی الحقّ زین الله به هیاکل اولیائه لعمری نوره یفوق نور الشمس و اشراقها هر نفسی به آن فائز شد او از جواهر خلق محسوبست عزّت و رفعت عالم به آن منوط و معلّق خلق نیک سبب هدایت خلق است به صراط مستقیم و نبأ عظیم نیکوست حال نفسی که به صفات و اخلاق ملأ اعلی مزین است . " ۲

و هم چنین می فرماید :

" مظلوم امروز مسجون ناصر او جنود اعمال و اخلاق بوده نه صفوف و جنود و تفنگ و توپ . یک عمل پاک عالم خاک را جنت علیا نماید . ای دوستان به اخلاق مرضیه و اعمال طیبه حق جل جلاله را نصرت نمایید . " ۳

ماخذ:

۱-مجموعه الواح حضرت بهاءالله طبع مصر ص ۲۸۸

۲-آیات الرحمن ص ۲۳۵

۳- همان ص ۲۵۰

#### ۴- نص مبارک حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

".... مقصد اصلی و مطلب کلی از بسط قوانین اعظم و وضع اصول و اساس اقوم جمیع شئون تمدن سعادت بشریه است و سعادت بشریه در تقرّب درگاه کبریا و راحت و آسایش اعلی و ادنی از افراد هیئت عمومیه است و وسائل عظیمه این دو مقصد اخلاق حسنه انسانیّت است و تمدن صوری بی تمدن اخلاق حکم ( أضغاث أحلام ) داشته و صفای ظاهر بی کمال باطن ( کسراب بقیعه یحسبه الظّمان ماء ) انگاشته گردد . زیرا نتیجه ای که رضایت باری و راحت و آسایش عمومیه از تمدن ظاهر صوری به تمامه حاصل نشود . "

رساله مدنیّه ص ۷۰

#### ۶- کمال عالم انسانی

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" از برای اعمال و فضائل انسانی درجاتست . یک عملی است که فائده آن راجع به شخص انسان است . عمل دیگر، ثمرش راجع به عائله انسان یا به قوم و قبیله او . اما یک عملی است که فائده و ثمرش راجع به عموم اهل عالم است و نتایجش غیر محدود و اثراتش باقی به بقا عالم وجود . موفقیت به این گونه عمل کمال عالم انسانی است و این کمال به تمسک به تعالیم الهیه و قوه معنویه حاصل شود . "

گلزار تعالیم بهایی ص ۹

## ۷- علت و ریشه مشکلات جامعه

تأثیر مادیت چه به عنوان جهان بینی و چه به عنوان میل و خواهشی ساده اینست که سائقه روحانی را که از امتیازات نفس ناطقه است از انگیزه انسانی و حتی علائق او می زداید . چنان که حضرت عبدالبهاء فرموده " در طینت انسانی محبت ذاتیه خود مخمر و ممکن نیست بدون امیدواری اجر جزیل و ثواب جمیل از فوائد موقته جسمانیه خود بگذرد." چون ایمان به معنوی بودن ماهیت حقیقت و ارضاء خاطر که می بخشد در میان نباشد عجیبی نیست اگر می بینیم در کانون بحرانی که در تمدن کنونی مشاهده می شود نوعی آئین فرد پرستی پدید آمده است که حد و مرزی نمی شناسد و کسب مال و خواسته و مقام را از ارزش های مهم فرهنگی می شمارد که نتیجه اش از هم پاشیدگی اجتماع گشته و آن را به مرحله جدیدی در مسیر تحلیل و انهدام جامعه که به تاکید د ر آثار حضرت ولی امرالله تصریح شده انداخته است.

تار و پود بافت اخلاق جامعه که سبب هدایت و انضباط حیات فردی در هر سیستم اجتماعی است یکی پس از دیگری از هم گسیخته می شود و اگر به این گسستگی ها نظاره کنیم و تن به قبولش دهیم در مسیری مخالف با واقعیت قدم برداشته ایم . اگر رهبران خرد و اندیشه در سنجش های خود به دقت شواهد موجود را در نظر گرفته موشکافی می نمودند پی می بردند که همین مساله است که علت و ریشه مشکلات به ظاهر غیر مرتبط کنونی است یعنی مسائلی از قبیل آلودگی فضای زیست، هرج و مرج اقتصادی، خشونت نژادی ، انتشار بی علائقی و بی اعتنائی ، ازدیاد وسیع جنایات و امراض مسری که جامعه ها را مبتلا می کند . برای حل این مشکلات فقط استفاده از تخصص های حقوقی ، جامعه شناسی و صنعتی با وجود اهمیتی که دارند کافی نیست و نمی توان قبول کرد که بدون حصول تغییر و تحول اساسی در وجدان اخلاقی و رفتار انسان علاج قطعی برای رفع مشکلات مذکور هرگز به دست آید.

قرن انوار صص ۷۸- ۷۷

## ۹- شور و مشورت

با توجه به قسمتی که از پیام رضوان ۲۰۱۵ مطالعه شد به شور می پردازیم  
برای سؤال ۲۱ هر فرد به خود پاسخ می دهد و نیازی به پاسخگویی در جمع وجود ندارد  
۱- آیا قلبم از مشاهده اوضاع حسرت بار جهان و مردمان اسیر آن متالم نمی گردد ؟  
۲- آیا صلاهی بیت العدل اعظم الهی را لیبیک نمی گویم ؟

سؤال مورد شور و مشورت

۳- به نظر چگونه می توانیم تغییر و تحول اساسی در وجدان اخلاقی و رفتار خود با دیگران به وجود آوریم ؟

هر قلبی که از مشاهدهٔ اوضاع حسرت‌بار جهان که بسیاری از مردمان اسیر آنند متألم گردد این صلا را لبیک گوید زیرا مآلاً، سازنده‌ترین پاسخ هر فرد مؤمن متعهد و نگران از آلام فزایندهٔ اجتماع بی‌سامان، همانا اقدام سیستماتیک، مجدّانه و فداکارانه در چارچوب وسیع نقشه می‌باشد. در طیّ سال گذشته این نکته روشن‌تر شده است که در کشورهای مختلف و به طرق گوناگون، وحدت نظر اجتماع حول آرمان‌هایی که معمولاً مردم را متحد ساخته به هم پیوند می‌دهد روز به روز ضعیف‌تر و فرسوده‌تر می‌شود و دیگر نمی‌تواند دفاع مؤثری در مقابل انواع ایدئولوژی‌های خودمحور، تعصب‌آمیز و زهرآگین که از نارضایتی و رنجش مردم قوّت می‌گیرند ارائه دهد. مروّجین این عقاید ویران‌گر در جهانی مستغرق در نفاق و اختلاف که اطمینان و اعتمادش نسبت به خود هر روز کاهش می‌یابد جسورتر و گستاخ‌تر می‌شوند. بیان صریح قلم اعلی را به خاطر می‌آوریم که می‌فرماید: "یهطعون الی النّار و یحسبون أنّها نور." رهبران نیک‌اندیش ملل و مردم خیرخواه عالم در تلاش‌اند که شکستگی‌های آشکار اجتماع را مرمت کنند ولی حتی قادر به جلوگیری از گسترش آن هم نیستند. اثرات این وضع تنها در جنگ و ستیز آشکار و یا در فروپاشی نظم مشاهده نمی‌شود بلکه در عدم اعتمادی که همسایه را به مخالفت با همسایه وامی‌دارد و پیوندهای خانوادگی را از هم می‌گسلد، در خصومت‌هایی که به اسم گفتمان اجتماعی پذیرفته می‌شود، در سهولتی که در به کارگیری انگیزه‌های دون بشری برای کسب قدرت و انباشتن ثروت ملاحظه می‌گردد. در همهٔ اینها نشانه‌های صریحی موجود است که آن نیروی اخلاقی که زیربنای تداوم اجتماع است، دست‌خوش فرسایشی شدید گردیده است.

اما این آگاهی نیز بسی اطمینان‌بخش است که در میان همهٔ این نابسامانی‌ها نوع جدیدی از حیات جمعی در حال شکل‌گیری است که خصایل ملکوتی مودوعه در انسان را جامهٔ عمل می‌پوشاند. مشاهده کرده‌ایم که چگونه به خصوص در نقاطی که شدت فعالیت‌های تبلیغی و جامعه‌سازی حفظ شده و استمرار یافته احباً نه تنها توانسته‌اند خود را از اثرات نیروهای مادی‌گرایی که خطر تضييع قوای مفید و ارزشمند آنان را در بر دارد محفوظ دارند بلکه در ضمن تمشیت امور دیگری که وقت‌شان را مصروف می‌دارد، وظایف مقدّس و

میرم خود را نیز هرگز از نظر دور نمی‌دارند. چنین تمرکزی بر نیازهای امر مبارک و بر مصالح نوع بشر در هر جامعه‌ای ضروری است. هر کجا که برنامه‌ی رشد در محدوده‌ای که قبلاً فتح روحانی نشده شروع می‌شود، منشأ شور و هیجان اولیّه هر گونه فعالیت، شعله‌ی عشق حضرت بهاءالله مشتعل در قلب مؤمنی متعهد است.

رضوان ۲۰۱۵

۱۰- حصول کمال در عالم امکان به تنهایی برای هیچ فردی میسر نیست

ما افراد بشر موجودات منفرد خلق نشده ایم تمام دوران حیات ما متکی بر یک رشته روابط و علائقی است که با سایر افراد بشر داریم و حصول کمال در عالم امکان به تنهایی و بالاستقلال برای هیچ فردی از افراد میسر و ممکن نیست. ما چون طبیعتاً مانند زنبور عسل و مورچه و حیوانات نظیر آن اجتماعی خلق شده ایم برای هیچ یک از ما ممکن نیست صفات و اخلاق ذاتی خود را مانند یک واحد مجزائی پرورش و تکمیل نمائیم. کشیش و صوفی و یا مرتاضی که عمر خود را بدون ابراز خستگی در طلب طریق نجات صرف می‌کند و یا با ترک لذات و مواهب زندگی و تحمل ریاضات و صدمات جسمی تکمیل نفس می‌نماید راهی غلط می‌پیماید. چنین فردی سعی می‌کند بر خلاف مسیر طبیعت حرکت نماید زیرا ترقی و تعالی افراد هر یک از انواع موجودات که به حال اجتماع زندگی می‌کنند بر اساس تعاون و تعاضد و رقابت و تشویق و تحریص و استفاده از تجربیات اقران و امثال خویش استوار است. بنابراین قسمت اعظم طریقی را که باید در سبیل ترقی و تکامل شخصی بیمائیم، قهراً با زندگی کسانی که با آنها معاشریم ارتباط دارد و طرز رفتار متقابل آنها نسبت به ما در اخلاق خود ما مؤثر بوده و در اصلاح یا افساد آن مدخلیت کامل دارد.

از کتاب دستورالعمل زندگی به قلم حضرت حرم